

گزارش

دومین همایش ملی ایران واکو: نقطه‌عطفی در دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای اکو در مسیر تحول

وزیر امور خارجه ایران: مسئله بازگشت آمریکا براساس منافع متقابل و بدون تهدید و ارباب به میز مذاکره است، نه نقش میانجی‌ها

وحیده کریمی؛ دومین همایش ملی ایران و سازمان همکاری اقتصادی (اکو) دیروز در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. این همایش که به ابتکار معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و با حضور گسترده دیپلمات‌ها، کارشناسان و نخبگان اقتصادی و منطقه‌ای برگزار شد، بیش از یک گردهمایی دیپلماتیک صرف بود؛ فرصتی برای بازخوانی تاریخچه، مرور وضعیت کنونی و ترسیم چشم‌اندازی نوین برای یکی از مهم‌ترین نهادهای همکاری منطقه‌ای جهان در حال توسعه. سازمان همکاری اقتصادی که در سال ۱۹۶۴ و با عضویت سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان تأسیس شد و در دهه‌های بعد کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان به آن پیوستند، امروز گسترهای وسیع با جمعیتی بیش از نیم‌میلیارد نفر را در بر می‌گیرد. هرچند اکو در میان قدیمی‌ترین سازوکارهای همکاری اقتصادی منطقه‌ای قرار دارد و دارای ظرفیت‌های چشمگیری است، اما تاکنون موفق نشده به تناسب این پتانسیل‌ها، دستاوردهای ملموس و مؤثری برای اعضای خود فراهم آورد. این موضوع یکی از محورهای اصلی بحث در همایش بود و به‌عنوان چالشی جدی که باید از طریق اصلاح ساختاری و رویکردهای نوین مرتفع شود، مورد تأکید قرار گرفت. سخنرانی‌های کلیدی در این همایش توسط وزیر امور خارجه ایران، دبیرکل سازمان اکو و معاون وزیر امور خارجه ارائه شد که هر یک ضمن بررسی وضعیت فعلی، نقش و جایگاه ایران در سازمان و ضرورت بازنگری در رویکردهای همکاری را برجسته کردند. پس از آن، سه پنل تخصصی با محوریت «مواصلات، ارتباطات و تعاملات درون‌منطقه‌ای»، «اکو و فناوری‌های نوین» و «اکو ۲۰۳۰؛ تاب‌آورتر، منسجم‌تر و مرتبط‌تر» برگزار شد که هر یک ابعاد مختلف و حیاتی برای آینده همکاری‌های منطقه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار دادند.



عراقچی در توضیح میانجیگری قطر بین ایران و آمریکا: مسئله میانجی نیست، مسئله اراده آمریکاست

وزیر امور خارجه ایران در حاشیه این مراسم و در جمع خبرنگاران در رابطه با میانجیگری قطر بین ایران و آمریکا گفت: کشورهای زیادی در حال تلاش هستند تا دراین‌باره ایفای نقش کنند، فقط قطر نیست. کشورهای منطقه هم این انگیزه را دارند تا این مشکل به شکل بهتری حل شود. مسئله مهم آن است برای شروع مذاکره، بحث میانجی مطرح نیست، بلکه بحث اراده است. دیگر برای آغاز مذاکرات میان دو کشور مهم است؛ اینکه بپذیرند براساس منافع متقابل که منافع دو طرف را در بر گیرد و بدون تهدید و ارباب آغاز شود و هر موقع به این نقطه برسند، بقیه مسائل دیگر جزء فرعیات است.

جهان دیپلماسی اقتصادی در سایه یک‌جانبه‌گرایی

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در سخنرانی افتتاحیه با تأکید بر شرایط کنونی جهانی و منطقه‌ای گفت: «جهان امروز بیش از هر زمان دیگری با یک‌جانبه‌گرایی افسارگسیخته روبه‌رو است که نظم بین‌المللی را شکننده کرده و حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی را به‌شدت به چالش کشیده است». او تصریح کرد که این روند، فرصت‌های همکاری بین کشورها را محدود و آسیب‌پذیر کرده و به همین دلیل ضرورت تقویت سازوکارهای چندجانبه بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. عراقچی تأکید کرد: «همکاری و هم‌افزایی همکاری‌های در حال توسعه در قالب‌های چندجانبه دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است». وی در ادامه با اشاره به تجربه جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی گفت: «اگرچه ایران از قربانیان این سیاست‌های ظالمانه بوده، اما هیچ‌گاه از مسئولیت‌های خود به‌عنوان بازیگر فعال و اثرگذار در مناسبات اقتصادی و توسعه‌ای منطقه‌ای و چندجانبه عقب‌نشینی نکرده است». عراقچی افزود: «این همایش گواه روشنی بر این موضع است که ایران به نقش خود در همکاری‌های منطقه‌ای با جدیت و دقت می‌نگرد». او به سابقه بیش از شش دهه سازمان همکاری اقتصادی (اکو) اشاره کرد و گفت: «اکو قدیمی‌ترین سازوکار همکاری اقتصادی منطقه‌ای در جهان در حال توسعه است که سابقه‌ای غنی و زمینه‌های قوی همکاری دارد، اما متأسفانه دستاوردهای کنونی با ظرفیت‌های عظیم این سازمان و منطقه تناسب ندارد». عراقچی تأکید کرد که اکو می‌تواند به الگویی موفق از همکاری‌های چندجانبه اقتصادی بین کشورهای هم‌جوار بدل شود و خاطرنشان کرد: «اکنون کشورهای عضو، به‌ویژه اعضای جدیدتر که در دهه ۹۰ میلادی به اکو پیوسته‌اند، به ارزش این سازمان در پیشبرد اهداف توسعه ملی و مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود واقف شده‌اند». او افزود: «این ساختار، با عضویت کشورهای مهم آسیای مرکزی، جنوبی و غربی، ارزش افزوده غیرقابل چشم‌پوشی برای همه اعضا به همراه دارد و فرصت‌های متعددی را برای گسترش همکاری‌ها فراهم می‌کند».

دیپلماسی چندجانبه اقتصادی؛ راهبردی بنیادین

سیدرسول خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه، در سخنرانی خود با اشاره به جایگاه ویژه اکو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی اقتصادی چندجانبه‌گفت: «ایران همواره در پی ایجاد بسترهای پویا و مؤثر برای تبادل اندیشه، تحلیل‌های راهبردی و توسعه همکاری‌های علمی و فکری در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی بوده است». او خاطرنشان کرد: «فراهم‌آوردن زمینه‌های دیپلماسی غیررسمی و تعامل میان تصمیم‌سازان حوزه اکو، از اصول بنیادین سیاست خارجی و دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران به‌شمار می‌آید». خطیب‌زاده به برگزاری اولین همایش ملی ایران و اکو در سال ۱۳۹۰ اشاره کرد و گفت: «اکنون، در آستانه دومین چشم‌انداز ۲۰۳۰ اکو، این مرکز مطالعاتی بار دیگر به‌عنوان یک اندیشکده در حوزه پیش‌رو در همکارهای منطقه‌ای ایفای نقش می‌کند». او ضمن ابراز امیدواری از تحقق نتایج ملموس این همایش، گفت: «امیدواریم نشست‌های تخصصی و تبادل‌نظرهای این همایش به ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری منجر شود».



فرخ نگهدار در گفت‌وگو با «شرق»:

برخی در جنگ بی‌شرمانه طرف دشمن بودند

داوود حشمتی

برخی اقدامات صرفاً اجتماعی؛ زیرا تأمین امنیت مرزها و آسمان کشور پیش‌شرط امکان پیگیری اصلاحات داخلی و کاهش تنش‌های اجتماعی است.

✚ اجازه دهید به بُعد سیاسی موضوع و نقش احزاب و فعالان سیاسی بپردازیم. به نظر شما، در بخش دولت به معنای عام، غیر از اولویت‌دادن به مسائل نظامی، چه اقدامات دیگری باید صورت گیرد و چه اقداماتی نباید انجام شود؟

از نظر من، نخستین اولویت همچنان تقویت بنیه دفاعی کشور است؛ به‌ویژه در حوزه حفاظت از مرزهای زمینی و هوایی. البته مفهوم «قدرت دفاعی» گسترده‌ای وسیع‌تر دارد. زمانی که جامعه مطمئن شود ایران توان دفاع از مرزهای خود را دارد و از نظر نظامی در امنیت به سر می‌برد- یا دست‌کم تهدیدهایی که در گذشته وجود داشته دیگر به آن شدت تکرار نمی‌شود- آنگاه باید به مهم‌ترین مسئله داخلی پرداخت؛ یعنی رسیدگی به شکاف میان دولت و ملت.

شما اشاره کردید که در جریان جنگ ۱۲روزه، ملت ایران یک صدا با تجاوز خارجی مخالفت کردند و نشان دادند که در برابر تهدید بیرونی همبسته هستند و آماده دفاع از کشور- باین‌حال، به محض برقراری آتش‌بس، به نظر می‌رسد هم حاکمیت و هم بخشی از نیروهای سیاسی نسبت به اهمیت این موضوع بی‌توجهی کردند. جامعه‌ای که با مشکلات روزمره‌ای همچون آب، برق و نان دست به گریبان است، جامعه‌ای آسیب‌دیده و رنج‌کشیده به شمار می‌رود.

بنابراین حکومت باید ارزش واکنش مردم در روزهای جنگ را به‌درستی درک کند و با رویکردی متفاوت با آنان مواجه شود؛ به‌ویژه باید به منتقدان دلسوزی که در سخت‌ترین شرایط کنار مردم ایستادند، توجهی شایسته نشان دهد.

کسانی که در جریان جنگ ۱۲روزه نشان دادند در کنار مردم ایران ایستاده‌اند و بیش از بسیاری از مسئولان حاکمیتی نگران آینده کشورند، از جان و هستی خود گذشتند تا یکدیگر را حمایت کنند؛ چنین مردمی نباید به‌عنوان «پایگاه دشمن» معرفی شوند. متأسفانه برخی رسانه‌های وابسته به ساختار قدرت، ارزش این واکنش متمداننه، دلسوزانه و میهن‌پرستانه اقشار مختلف را درنیاخته و در پی بهره‌برداری جناحی از آن هستند.

به نظر من، حاکمیت باید در مواجهه با معترضان و منتقدانی که به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز به میدان آمده‌اند، تجدیدنظر کنند. نخستین نشانه این تجدیدنظر باید در رفتار رسمی و نهادهای شده با این جبهه‌های مورد اعتماد بخشی از جامعه ظهور کند؛ یعنی نشان دهد این افراد «خودی» به شمار می‌آیند و ایرانی تلقی می‌شوند و نه مستوجب مجازات، بلکه سزأوار برخورداری از حقوق برابر با سایر شهروندان و نهادهای رسمی‌اند.

✚ **آقای نگهدار، در همین بحث مربوط به کسانی که مورد توجه جامعه قرار دارند، ما یک تقسیم‌بندی نسبتاً قابل اتکا از وضعیت امروز جامعه در اختیار داریم؛ تقسیم‌بندی‌ای که پس از انتخابات ۱۴۰۳ با آن روبه‌رو شدیم. بخشی از جامعه در انتخابات شرکت نکردند، بخشی دیگر به آقای پزشکیان رأی دادند و بخش سوم از آقای جلیلی حمایت کردند. این سه بخش، هر یک در جامعه جایگاه مشخصی دارند. دو بخش نخست، یعنی کسانی که به رئیس‌جمهور رأی داده‌اند و کسانی که از آقای جلیلی حمایت کردند، هر یک به‌نوعی مرجع و پایگاه خود را دارند. در میان هواداران دولت و حامیان ریاست‌جمهوری، افرادی حضور دارند که باور دارند می‌توان از طریق صندوق رأی و سازوکارهای قانونی و انتخاباتی، مطالبات جامعه را پیگیری کرد. در سوی دیگر، کسانی قرار دارند که بر این اعتقادند که این مطالبات را می‌توان از طریق آقای جلیلی و جریان سیاسی نزدیک به او دنبال کرد. در مقابل، گروهی نیز هستند که اساساً به این سازوکارها اعتقادی ندارند و آنها را برای تحقق خواسته‌هایشان ناکارآمد می‌دانند. نمی‌دانم جامعه که در انتخابات مشارکت نکردند، به نظر می‌رسد خروجی یا مرجع مشخصی برای بیان دیدگاه‌هایشان ندارند یا اگر دارند، ما از آن بی‌اطلاعیم و نمی‌دانیم صدای آنها کجاست. پرسش این است که چه کسی باید نماینده این گروه باشد؟ اگر حاکمیت بخواهد با این ۵۰ درصد گفت‌وگو کند یا با آنها که در شرایط بحرانی نشان داده‌اند نه‌تنها به سمت دشمن نمی‌روند، بلکه دست‌کم تلاش می‌کنند بی‌طرف بمانند و از هیچ نیروی خارجی حمایت**

هستند و اعتراضاتی دارند، بیانیه‌هایی منتشر کرده و خواسته‌هایی را فهرست کرده‌اند- برخی ۱۱ مورد، برخی ۱۷ مورد، برخی شش مورد- مهم نیست تعدادشان چیست. این گروه‌ها باید حاکمیت را فرابخوانند تا از این فرصت که اکنون درگیر جنگ نیستیم، برای تنظیم مناسبات و توافق‌هایی در راستای دفاع ملی استفاده شود. من درباره انتخابات یا تقسیم منافع صحبت نمی‌کنم. دست‌کم کسانی که من می‌شناسم و با آنها فعالیت سیاسی و تشکیلاتی دارم، توقعی جز این ندارند. چگونه می‌توانیم از منافع ملی دفاع کنیم؟ باید باب گفت‌وگو گشوده شود و به بحث و تبادل نظر بپردازیم.

✚ **آقای نگهدار، در تقسیم‌بندی جامعه که اشاره کردم، برخی از نیروهای نزدیک به جریان اصولگرا معتقدند در شرایط کنونی، هریک از گروه‌های جامعه وظایفی دارند. جریان تندرو، به‌ویژه حامیان آقای جلیلی، بر این باورند که این نیروها باید سکوت کنند، انتقادات خود را کمتر مطرح کنند، موضوعاتی مانند عدم کفایت رئیس‌جمهور را پیش نکشند و حامیان رئیس‌جمهور باید تاب‌آوری بیشتری نشان دهند. آنها معتقدند از دولت و حاکمیت به معنای عام و شخص رئیس‌جمهور باید حمایت بیشتری صورت گیرد و نسبت به ناترازی‌ها و مشکلات اقتصادی موجود در کشور، کمتر گلایه شود. همچنین، آن ۵۰ درصدی که در انتخابات رأی ندادند، با مشاهده رفتارهای مناسب این گروه‌ها، با سکوت خواهند کرد یا به صف همراهان خواهند پیوست. به نظر شما، آیا این توصیه‌ها می‌تواند همبستگی اجتماعی ایجادشده در زمان جنگ را که همبستگی حداکثری بود و حول اشتراکات حداقلی شکل گرفت، تداوم ببخشد؟ این استد، را به پایه اشتراکات حداکثری، بلکه حول محور حفظ ایران بود و پس از جنگ نیز این موضوع برجسته شد. اما هر طرف به‌نحوی با این مسئله جالش دارد. آیا این توصیه‌ها می‌تواند این همبستگی را حفظ کند یا در بلندمدت به آن آسیب می‌زند؟**

من بر این باورم که با وجود اختلاف‌نظر میان نیروهایی که اشاره کردید، باید برخی مسائل فوری مانند ناترازی‌ها و مشکلات ملی در این شرایط همه نیروها حل کنیم. اگر مردم و دیگران ببینند که برخی مسائل در حال حل‌شدن است، به این جریان خواهند پیوست. این دیدگاه شماسست، اما من درباره این نوع تحلیل و نگاه بحث دارم. در پس ذهن کسی که چنین تفکری دارد، این فرض نهفته است که این افراد فعلاً تمایلی به مشارکت در بحث‌های راهبردی را با حاکمیت کشور، از جمله ناترازی‌ها، سیاست خارجی و سایر مسائل ندارند. آنها در فکر دیگری هستند و به‌اصطلاح قهر کرده‌اند. از کلمه «قهر» بسیار استفاده می‌شود، درحالی‌که اگر مقامات جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه رسانه ملی، پس از تغییر رویکرد در برخورد با محصوران و محبوسان -که نوع برخورد رسانه ملی در این میان اهمیت کلیدی دارد- این افراد را به گفت‌وگوهایی برای حل همین ناترازی‌ها دعوت کنند، می‌توان تغییر ایجاد کرد. اگر نمایندگانی که مورد اعتماد این گروه‌ها هستند یا دست‌کم مدعی‌اند که نماینده ۵۰ درصد غیریاری دهنده جامعه‌اند، به این اقدام باوغت می‌شود آنها احساس هویت و به‌رسمیت شناخته‌شدن کنند. درباره اینکه چگونه می‌توان با کسانی که مورد جفا قرار گرفته‌اند- برخی آن را سرکوب یا حذف می‌نامند- برخورد کرد، باید راهکاری اندیشید.

یکی از تدابیری که به نظر من بسیار مهم است، این است که رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی، که از اختیارات لازم برخوردار است، اعلام کند که با توجه به اینکه ۵۰ درصد از مردم در انتخابات رأی نداده‌اند و حضور، حمایت و فعالیت آنها در مقاطع آینده برای کشور حیاتی است، موضوع رسیدگی به وضعیت محصوران و محبوسان و تدوین طرحی برای ارائه به دولت در دستور کار شورای عالی امنیت ملی قرار گرفته است. این‌گونه اقدامات حاکم‌هایی هستند که نیروهای سیاسی را به مشارکت تشویق می‌کنند. همان‌طورکه شما گفتید، اگر ما از همین امروز اقدامات مثبتی انجام دهیم، این گروه‌ها را خوش‌بین کرده و به مشارکت ترغیب می‌کند. بنابراین، من دو نکته را مطرح می‌کنم: نخست، مسائلی که مورد توجه این گروه‌هاست و جایگاهی به نیروهای مخالف و معترض می‌دهد؛ باید در دستور کار حاکمیت قرار گیرد. دوم، نمایندگان این گروه‌ها از همین امروز در رسانه‌های کشور حضور یابند و درباره موضوع دفاع ملی دیدگاه‌های خود را بیان کنند. هرکس که مخالف است، لزوماً تقویت نیروهای دفاعی کشور را در اولویت مطالبات خود قرار نمی‌دهد. آیا در بیانیه جبهه اصلاحات درباره این موضوعاتی چیزی گفته‌اید؟ این بیانیه به دلیل ایجاد فضای روانی مثبت، رف‌فصل میان گروه‌ها و تهدیدات آتی اهمیت دارد. بسیاری از نیروهای سیاسی، از موضع فرا جناحی، ملی و انسانی، بی‌نمی‌توانند یا تجربه نظامی‌ها و افق‌های جدیدی بکشایند تا رابطه دولت و ملت، که دومین موضوع حیاتی برای حفظ کبان کشور است، بتواند دو، سه یا حتی پنج قدم به پیش رود. درباره بخش آخر، یعنی جایگاه اپوزیسیون خارج از کشور، تا پیش از سال ۱۴۰۱ کمتر شاهد این بودیم که این گروه‌ها از حمله نظامی خارجی به داخل کشور حمایت کنند. گروه‌هایی که حمله نظامی را تشویق یا تقویت می‌کردند، حتی در میان اپوزیسیون نیز در اقلیت بودند. اما پس از سال ۱۴۰۱، نگاه‌ها تا حدی تغییر کرد و به نظر می‌رسید برخی از این اقدام استقبال می‌کنند. البته، هیچ کشور خارجی نیست که به کشوری حمله کند، رژیم ایران ساقط کند و سپس قدرت را دودستی به اپوزیسیون تقدیم کند.